

# فضای کلاس و کیفیت آموزشی

تأملی درباره‌ی ارتقای کیفیت  
فرایندهای یاددهی - یادگیری در کلاس درس  
با استفاده از جلب مشارکت یادگیرندگان

دکتر رخساره فضلی



پرونده

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۲  
شماره‌ی ۸

اردیبهشت ۸۹

۲۰

علمی معتبر موجود، محورهای اصلی آن مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، کیفیت فرایندهای آموزش با تأکید بر جو و فضای کلاس ارائه می‌شود. امید است فرصتی برای طرح سایر موضوعات نیز فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: کیفیت آموزشی، جو و فضای کلاس، برنامه‌ی آموزش برای همه، یادگیری مشارکتی

اشاره

یکی از وظایف نظام‌های آموزشی، ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و ارائه‌ی آموزش با کیفیت به کلیه‌ی کودکان و نوجوانان است. بر این اساس، ارتقای کیفیت آموزش مورد توجه قرار گرفته و در اهداف کلان ملی و تعهدات بین‌المللی مثل «برنامه‌ی آموزش برای همه»، بر آن تأکید شده است. در حالی که هنوز تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نشده و در منابع

## ویگوتسکی تأکید می‌کند که دانش‌آموز دانش خود را از طریق تعامل اجتماعی با دیگران می‌سازد و محتوای این دانش، تحت تأثیر فرهنگی قرار می‌گیرد که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند

معلم، از مهم‌ترین شاخص‌های فرایند آموزشی محسوب می‌شوند که از طریق گفت‌وگو با والدین، دریافت بازخورد، میزان نوآوری در تدریس و روش‌های تدریس مبتنی بر رویکردهای عملی، قابل بررسی و سنجش هستند [رابسون و ماتیسوس، ۱۳۷۸]. بهبود کیفیت در سطح مدرسه، با توجه جدی به معلمان آغاز می‌شود. اطلاعات تنها در صورتی بر عملکرد کلاس درس تأثیر مثبت می‌گذارد که معلمان فعالانه در فرایند انتقال اطلاعات درگیر شوند و با بازکاوی و ارزش‌یابی آن، به اصلاح روش‌های تدریس خود بپردازند [Chapman and Mahlck, 1993]. بهبود کیفیت یاددهی - یادگیری در کلاس درس، تنها یکی از محورهای فرایند آموزش و جنبه‌های اصلاحات آموزشی است.

۱. **یادگیری مشارکتی:** یکی از محورهای همکاری و مشارکت، معلمان هستند که با استفاده از روش‌های تدریس فعال و مشارکتی می‌توانند روحیه‌ی همکاری و مسئولیت‌پذیری را افزایش دهند. بهبود کیفیت در سطح مدرسه به معلمان بستگی دارد و اطلاعات تنها در صورتی بر عملکرد کلاس درس تأثیر مثبت می‌گذارد که معلمان در فرایند انتقال آن‌ها، فعالانه درگیر شوند [پیشین]. هم‌چنین، جلب همکاری و مشارکت دانش‌آموزان در فرایندهای یاددهی - یادگیری، مستلزم ایجاد جو و فضای مناسب و مشارکتی به جای رقابتی است. فضایی که یادگیرندگان را به هم‌فکری و حل مسئله به صورت مشارکتی ترغیب کند، به گونه‌ای که معلمان و دانش‌آموزان با هم در فرایند یادگیری شرکت کنند و از کار کردن با یکدیگر لذت ببرند. معلمان و دانش‌آموزان می‌توانند با هم در فرایند یادگیری مشارکت کنند. چهار ابزاری که برای این کار وجود دارد، عبارت است از: یادگیری مشارکتی<sup>۴</sup>، داربست زدن<sup>۵</sup>، کارآموزی شناختی<sup>۶</sup> و تدریس خصوصی [Santrock, ۲۰۰۸].

زیربنای نظری یادگیری مشارکتی، به سال‌های آغازین قرن بیستم برمی‌گردد که **دیویی** معلمان را به تشکیل گروه‌هایی برای «بررسی و حل مسئله» ترغیب می‌کرد. این نوع یادگیری، به شکل‌های متفاوت از جمله یادگیری گروهی دانش‌آموزان<sup>۷</sup>، روش جورچین<sup>۸</sup> (تقسیم موضوع به بخش‌های متفاوت)، با هم‌آموزی<sup>۹</sup>، پژوهش گروهی<sup>۱۰</sup>، یادگیری انفرادی مبتنی بر کمک گروه<sup>۱۱</sup>، گروه - بازی - مسابقه<sup>۱۲</sup> و نوشتن مشارکتی<sup>۱۳</sup> اجرا می‌شود. برای به وجود آوردن اجتماع یادگیری موفق، باید مشارکت و وابستگی متقابل مثبت در سطوح متفاوت، یعنی در گروه‌های یادگیری کودکان در کلاس، بین کلاس‌ها، مدرسه، خانواده و مدرسه و جامعه‌ی محلی رخ دهد. یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد به صورت هم‌یار با هم کار کنند تا به هدف مشترکی دست یابند. کلاس درس مشارکتی، «کلاس من» را به «کلاس ما» تبدیل می‌کند [پیشین].

مستندات پژوهشی، اثربخشی یادگیری مشارکتی را در توسعه‌ی مهارت‌های حل مسئله در موضوعات گوناگون در سطوح کلاسی متفاوت نشان می‌دهد [کوهن، ۱۹۹۴ و جانسون، ۱۹۹۵، نقل از: ۱۹۹۵ و Slarin]. هم‌چنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی، درک و فهم،

### تعریف کیفیت آموزش<sup>۲</sup>

در فرهنگ لغات و منابع تخصصی علم تربیتی، از کیفیت تعاریف متفاوتی به عمل آمده است. در لغت‌نامه‌ی **دهخدا**، کیفیت، صفت و چگونگی، چگونگی و حالت و وصفی که در چیزی حاصل باشد، تعریف شده است و فرهنگ معین آن را مترادف با چگونگی و چونی آورده است. مفهوم کیفیت در آموزش و پرورش، اصطلاحی چندپهلوست و به تغییر یا تغییراتی گفته می‌شود که در رفتارهای دانش‌آموزان پیدا می‌شود. بر این مبنا، تنها معیار معتبر کیفیت، تغییر رفتار دانش‌آموزان و به عبارتی یادگیری آنان است.

### عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش

طی دهه‌ی گذشته، جنبش جهانی برای فراهم کردن کیفیت آموزش برای کودکان، بر اساس مفاد پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک و کنفرانس آموزش برای همه، وظیفه‌ای همگانی قلمداد شده است. در مرور ادبیات مربوط به کیفیت در آموزش و پرورش، معیارهای متفاوتی برای قضاوت درباره‌ی کیفیت مدارس معرفی شده است. کیفیت آموزش شامل پنج محور به این شرح است:

- \* «یادگیرندگان» به عنوان ورودی‌های نظام آموزشی.
- \* «محیط» که باید امن، سالم، حمایت‌کننده و حساس به جنسیت و دارای منابع و تسهیلات کافی باشد.
- \* «محتوا» که بستر اکتساب مهارت‌های اساسی را فراهم می‌کند.
- \* «فرایندهای آموزشی» که معلمان را برای به کارگیری رویکردهای کودک محور و مدیریت خوب کلاس یاری می‌رسانند.
- \* «ارزیابی» که باید استانداردهای فعالیت‌های یادگیرندگان را در راستای تسهیل یادگیری و کاهش تفاوت‌ها ترغیب کند.
- خروجی‌ها شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که بر مبنای اهداف ملی تعیین می‌شوند [یونیسف، ۲۰۰۰]

### کیفیت فرایندهای آموزش<sup>۳</sup>

اخیراً مقوله‌ی کیفیت آموزشی به جای تمرکز بر برون دادهای آموزشی، بر فرایندهای آن تأکید دارد. نحوه‌ی استفاده‌ی معلمان و مدیران از امکانات و شرایط موجود برای شکل‌دهی تجربه‌های یادگیری معنادار برای دانش‌آموزان، به عنوان یکی از اساسی‌ترین محورهای کیفیت آموزش، نقش معلمان در فرایندهای یاددهی - یادگیری را بیش از پیش نمایان ساخته است [یونیسف، ۲۰۰۰]. چگونگی تدریس، میزان مشارکت دانش‌آموزان، فرصت انجام تکالیف درسی، ماهیت ارتباطات کلاس درس (معلم - معلم، معلم - دانش‌آموز، و دانش‌آموز - دانش‌آموز) کیفیت دانش موضوعی معلم، روش‌های یادگیری مشترک برای تشویق دانش‌آموز به قبول مسئولیت، کیفیت عمل یادگیری با توجه به موفقیت در پرورش مهارت‌ها و دیدگاه‌های مربوط به حل مسئله و میزان همکاری

## بهبود کیفیت در مدرسه، با توجه جدی به معلمان آغاز می‌شود

تدریس دانش آموزی به دانش آموز دیگر، و تدریس خصوصی بین سنی که دانش آموزی که تدریس می‌کند، کمی بزرگ‌تر از دانش آموز نیازمند کمک است، به جبران نواقص یادگیری کمک می‌کند. معمولاً تدریس خصوصی بین سنی، از تدریس خصوصی هم کلاسی مؤثرتر است.

**۴. داریست زدن:** یکی از مسائل مهمی که ویگوتسکی مطرح کرده است، همراهی با شاگرد و پشتیبانی از اوست. وقتی بزرگسالان و سایر افرادی که پیشرفته‌تر از شاگرد هستند، در انجام وظایف دشوار به کمک او می‌آیند، از روش همراهی و داریست زدن استفاده می‌کنند [لطف‌آبادی، ۱۳۸۶]. داریست زدن روشی برای تغییر دادن تعداد پشتیبانی طی دوره‌ی تدریس است. شخص ماهرتر (معلم یا هم‌کلاسی پیشرفته‌تر یا دانش‌آموز بزرگ‌تر) مقدار راهنمایی خود را طوری تنظیم می‌کند که مناسب سطح عملکرد جاری دانش‌آموزان باشد و به تدریج کاهش یابد [Santrock, 2008].

نظریه‌ی شناختی - اجتماعی بندورا نیز از این رویکرد حمایت می‌کند. بندورا معتقد است، یادگیرنده از طریق مشاهده‌ی رفتار دیگران یاد می‌گیرد و الگو می‌تواند رفتارهای او را آسان کند. به عبارت دیگر، الگوها می‌توانند بازدارنده یا تسهیل‌کننده‌ی رفتار باشند. دانش‌آموزان به هم‌سالان و یا دانش‌آموزان بزرگ‌تر از خود بیشتر توجه می‌کنند و به راحتی آن‌ها را الگو قرار می‌دهند. بر این اساس، می‌توان در فرایند یاددهی - یادگیری، از این ظرفیت بهره‌برداری کرد و برای آموزش رفتارها و مهارت‌های تازه یا جلب توجه یادگیرندگان، از دانش‌آموزان به‌عنوان سرمشق و الگو استفاده کرد [سیف، ۱۳۸۶] و با تقویت رفتارهای موردنظر، کودکان را به تلاش بیشتر برای یادگیری و نمایش آشکار رفتار به دنبال تمرین ذهنی ترغیب کرد [کیچ و برلایتر، ۱۳۷۴]. بخشی از موفقیت برنامه‌های آموزش دانش‌آموزان به یکدیگر، به کیفیت آموزش آن‌ها بستگی دارد. در مورد کودکان کوچک‌تری که نقش آموزش‌یار را برعهده دارند، ارائه‌ی برنامه‌ی آموزشی ساخت یافته، کمک می‌کند تا هم استفاده‌ی مناسب و مؤثر آموزش‌یاران از تکنیک‌های آموزشی تضمین شود و هم از رفتارهایی که پیشرفت را متوقف می‌کنند و مانع تعاملات اجتماعی مثبت می‌شوند، اجتناب گردد. اثرگذاری آموزش دانش‌آموزان بر یکدیگر، به مواردی چون انتخاب دقیق، نحوه‌ی آموزش آموزش‌یار، نظارت مداوم، انتخاب محتوای آموزشی، زمان‌بندی جلسات و انطباق زوج‌ها با هم بستگی دارد [می‌هر وزینش، ۱۳۸۳].

براساس مبانی طرح شده، تجربه‌های متعددی در زمینه‌ی آموزش به کمک هم‌سالان وجود دارد که از جمله‌ی آن‌ها «راهنماهای یادگیری به کمک هم‌سالان»<sup>۱۴</sup> (PALS) مرکز جان اف کندی و بخش آموزش خاص کالج پیبادی<sup>۱۵</sup> دانشگاه واندربیلست، «برنامه‌ی نوجوان ارزشمند»<sup>۱۶</sup> که در بیش از صد دبیرستان سراسر آمریکا برای دانش‌آموزانی اجرا می‌شود که پیشرفت تحصیلی خوبی ندارند، یا در خطر مشکلات مرتبط با مدرسه‌اند و به آنان مسئولیت تدریس به دانش‌آموزان دبستانی سپرده می‌شود، دو «طرح آموزش جهانی»<sup>۱۸</sup> و «آموزش دختران روستایی در ایران» را می‌توان نام برد. **فضلی (۱۳۸۸)** نیز در پژوهشی با استفاده از «الگوی ارتقای کیفیت»<sup>۱۹</sup> آموزش، تأثیر همکاری و مشارکت یادگیرندگان را در

قوی‌تر از انفرادی است. این موقعیتی است که ساخت‌گرایی اجتماعی ویگوتسکی آن را بیان می‌کند [Eggen, 2001]

در نظریه‌ی ویگوتسکی، به فعالیت‌های جمعی، تعامل اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی توجه می‌شود. ویگوتسکی تأکید می‌کند، دانش‌آموز دانش خود را از طریق تعامل اجتماعی با دیگران می‌سازد و محتوای این دانش، تحت تأثیر فرهنگی قرار می‌گیرد که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند. این فرهنگ شامل زبان، باورها و مهارت‌ها می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد، ارتباط با دیگران، برای دانش‌آموزان فرصت‌هایی فراهم می‌کند تا در رویارویی با تفکر دیگران و مشارکت در خلق ادراک جمعی، درک خود را ارزیابی و تصحیح کنند. به این ترتیب، تجربه در زمینه‌های اجتماعی و یادگیری با گروه هم‌سالان و کودکان آموزش دیده و بزرگ‌تر می‌تواند، زمینه‌ی مناسبی برای رشد فکری و یادگیری دانش‌آموزان فراهم کند [Santrock, 2008].

**۲. کارآموزی شناختی:** کارآموزی شناختی یکی از روش‌های سنتی یاددهی - یادگیری است. مشارکت راهنمایی‌شده‌ی شاگرد در تکالیف واقعی، باعث دست‌یابی او به دانش و مهارت و ارزش‌های عینی موضوع آموزش می‌شود [روگوف، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸، نقل از: لطف‌آبادی، ۱۳۸۶].

در این تعامل، نه تنها شاگرد به یادگیری‌های تازه‌ای می‌رسد، بلکه معلم نیز در کار خود پیشرفت می‌کند و نوعی یادگیری متقابل صورت می‌گیرد. در کارآموزی شناختی، غالباً معلم‌ها سرمشق دانش‌آموزان در اتخاذ راهبردها هستند. سپس معلم‌ها و دانش‌آموزان پیشرفته‌تر، از کوشش‌های دانش‌آموزان در انجام تکلیفشان حمایت می‌کنند و سرانجام آن‌ها را تشویق می‌کنند که مستقلاً کارشان را ادامه دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، وقتی معلم یا دانش‌آموزان دیگر از داریست زدن و مشارکت هدایت شده برای کمک به دانش‌آموزان استفاده می‌کنند، یادگیری آن‌ها بهتر می‌شود [Santrock, 2008].

**۳. تدریس خصوصی:** استفاده از تدریس خصوصی به شکل



فرایند یاددهی - یادگیری بر افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش میزان غیبت و ترک تحصیل دانش‌آموزان تأیید کرده است.

#### زیرنویس

۱. کنفرانس آموزش برای همه، در سال ۱۹۹۰ در تایلند و به همت پنج سازمان بین‌المللی یونسکو، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و برنامه‌ی عمران ملل متحد، با هدف گسترش سواد در جهان، افزایش فرصت‌های یادگیری برای همگان و بهبود کیفیت یادگیری برگزار شد. در سال ۲۰۰۰، نتایج ارزیابی ملی کشورها در شش اجلاس منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و براساس آن چارچوب محل منطقه‌ای تدوین شد که به سند داکار معروف شد. کشورهای امضاکننده‌ی سند متعهد شده‌اند تا سال ۲۰۱۵ مفاد سند را که شامل ۶ هدف و ۱۲ راهبرد است برای کشورهای خود عملیاتی کنند. کیفیت آموزشی یکی از مهم‌ترین این مفاد است.

2. quality of instruction
3. Quality processes
4. cooperative Learning
5. scaffolding
6. cognitive apprenticeship
7. student team learning
8. jigsaw
9. learning together
10. group investigation
11. Individually Learning - based Team Assistance
12. Team - Game - Tournament
13. cooperative writing
14. Peer-Assist Learning Strategies
15. Peabody
16. Vanderbilt
17. The valued youth program
18. Global Education
19. Quality Promoting Model

#### منابع

۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. آگاه. تهران.
۲. فضلی، رخساره (۱۳۸۸). طراحی الگوی ارتقای کیفیت آموزش دختران و بررسی اثربخشی آن. رساله‌ی دکترای علوم و تحقیقات. تهران.
۳. گنج و بر لاینر (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی. ترجمه‌ی غلامرضا خوی‌نژاد و همکاران. نشر پاز. مؤسسه‌ی انتشارات فردوسی. مشهد.
۴. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۶). روان‌شناسی تربیتی. سمت. تهران.
۵. لفرانسوا، گای. (۱۳۷۸). روان‌شناسی برای معلمان. ترجمه‌ی هادی فرجامی، شرکت به نشر. مشهد.
۶. می‌هر، چارلز و زینس، جوزف ای (۱۳۸۳). راهبردها و مداخلات روان‌شناختی و تربیتی در مدارس. ترجمه‌ی رضا شریفی و ربابه نوری. انتشارات دانشگاه امام‌حسین. تهران.
7. Chapman, D.w. and Mahleck, L. o(eds). (1993). Form Data to Action: for Educational
8. Planning. Oxford: Information system in Educational Planning. UNESCO. International Institute Pergamon Press.
9. Eggen, P. & kauchak, D. (2001). Educational psychology: Windows on Classrooms with Teacher. merril prentice Hall.
10. Santrock, J.W. (2008). Educational Psychology. McGraw-Hill.
11. Slavin, R. (1995). Cooperative Learning (2<sup>nd</sup> ed). Boston: Allyn Bacon.
12. UNICEF. (2000). Defining Quality in Education. United Nations. childrens Fund.

## مهارت‌های زندگی و روز منی



### فرحناز غضنفری

آموزگار پایه‌ی اول دبستان بهار، محلات

ما به منظور تقویت سخن گفتن دانش‌آموز در جمع، بالا بردن اعتماد به نفس، ایجاد زمینه‌ی تفکر بیشتر درباره‌ی خود و انتخاب هدف برای آینده، ساعتی فرح‌بخش به عنوان زنگ «اسم من» طراحی کرده‌ایم. در این ساعت، بعد از تدریس هر نشانه، به هر دانش‌آموزی که توانایی نوشتن نام خود را پیدا می‌کند، فرصتی داده می‌شود تا در جمع، در یک مصاحبه شرکت کند و به سوالات معلم پاسخ دهد. در این جلسه‌ی مصاحبه، از او سؤالاتی پرسیده می‌شود؛ از اهدافش و کارهایی که می‌خواهد در آینده انجام دهد. این سؤالات، فرصتی را برای فرد فراهم می‌کنند تا در مورد خودش و آینده‌اش بیشتر فکر کند. این زنگ به او اختصاص دارد و شروعی است برای تصمیم‌های بزرگ او.